

# فوتبال: نمایش تمدن در برابر خشونت



فرهنگ را در قالب‌های عمدی آن یعنی ورزش و موسیقی... انتخاب می‌کند. با این موضوع و رویکرد مؤلف، کاشف مفاهیم و اصطلاحاتی جدید در این باره باشد و یکی از آنها فرهنگ جوانان است که البته اکنون نه یک مفهوم کلی، بلکه خود دارای اجزایی برآمده از تفاوت‌ها و تنوع است. رویکرد روانکاوانه سنت‌های فردی، خود را در اینجا با نقد کلیت‌های گروه‌بندی‌های فرهنگی نشان می‌دهد و از سوی دیگر جالب است که اصطلاحاتی چون "آتش‌فشان سابق همگن فرهنگ جوانان" مفاهیم اعمق را در ادبیات روانکاوانه‌ی کتاب نشان می‌دهد. کتاب با نشان دادن نقش فرهنگ توده‌ای و فصل‌های مشارکت فرهنگی آن در کاهش اضطراب‌های درونی، نگاه مثبت خود را به سطوحی از فرهنگ عامه نشان می‌دهد، نگاه روانکاوانه‌ای که هم جنبه‌ی اخلاقی و هم جنبه‌ی زیبایی‌شناسانه دارد.

نویسنده موارد هم‌سوی خود با فرهنگ عامه را با تعریف آن براساس سه اصل بنیادین توضیح می‌دهد: نخست اختیار کشگران در سبک رفتاری خود، دوم سهیم شدن در شکل‌های فرهنگی عامه‌پسند و سوم لذت در اشکال فرهنگ عامه و کسب قوت قلب ناشی از حس اجتماعی بودن. مفهوم لذت و محدودیت کسب ان چیزی است که با شرحی برآمده از مفهوم تصعید توسعه می‌یابد. در این میان در لذت اجتماعی پیوستن به فرهنگ عامه ویژگی الزام وجود چارچوب اجتماعی غیرقابل انکار است. به

## روانکاوی فرهنگ عامه: نظم و ترتیب نشاط

بری ریچاردز

ترجمه‌ی حسین پاینده

طرح نو

شاید یک ارتباط شگفت‌آور، دو مقوله‌ی فرهنگ عامه و روانکاوی را به هم نزدیک کند، هر دوی آنها از اعمق می‌أیند، اعمقی که در ابتداء سرچشمه‌ی آن روش نیست. رویکرد روانکاوانه نشان داده است که برخی از اموری که در رفتارهای انسان با وجود عینی بودن نمی‌توان علتی برای آن یافت، در ناخودآگاه انسان ریشه دارد. کتاب در پی دست یافتن به دلایل و علتهایی است که به کمک رویکرد روانکاوانه می‌توان بینان‌های آنها را شناخت. مترجم کتاب دلایل گزینش این اثر برای ترجمه را ظهور رفتارهای گسترد و همه گیرانه‌ای می‌داند که در سال‌های اخیر در فرهنگ ایرانی مشاهده می‌شود: علاقه به فوتبال، میل به خرید، تاثیر عجیب موسیقی پاپ بر جوانان ایرانی و...

کتاب با سوالی قدیمی اما مهم آغاز می‌شود: تا چه حد فرهنگ عامیانه و تظاهرات آن را می‌توان سطحی دانست؟ بدینه‌ی است در اینجا دو پاسخ کاملاً متفاوت رو در روی مولف قرار خواهد گرفت، یکی از آن دو مفهوم دمکراتیزه کردن فرهنگ و احترام به سبک‌های مختلف زندگی و دیگری آرایی چون آرایی پیروان مکتب فرانکفورت در نقش ناخودآگاهی است که وسائل ارتباط جمعی با تبلیغ کالاهای را به صورت یک نیاز کاذب به وجود می‌آورند. هم سویی با هر یک از این دو رویکرد متفاوت، ما را به دانش روانکاوی نیازمند می‌سازد. روانکاوی در این کتاب حوزه‌های عمومی

فرایند جداسازی بخشی از ساختار آرمانی‌سازی فرد مورد ستایش است. با این حال "عرق محلی" در میان جوانان و نوجوانان فوتیال را از معایب مکانیسم شرح داده شده (در رفتارهای ناشی از خودشیفتگی) در کتاب رها می‌سازد. نویسنده برای پاسخ به این سوال که فوتیال دارای چه ویژگی است که آن را جذاب می‌سازد به نظریه‌ی محترمات و خشونت راه می‌برد. فوتیال، جانشین حرکت‌های خشنوت‌بار شده و آن را می‌توان "فرایند تمدن آموزی" نامید. محترمات شکل گرفته در قوانین فوتیال، اهمیت کنترل بدن در لذت بردن در یک بازی جمعی را نشان می‌دهد. منع در دست گرفتن توب، عدم بیرون رفتن دروازه‌بانان از محوطه‌ی جریمه و لمس توب با دست. بدین ترتیب به زعم نویسنده ما با مفهوم تابو به شکلی جدید مواجه می‌شویم. این جا نه دست‌ها به عنوان ابزارهای اصلی فعالیت انسان، که پاها هستند که باید به کار روند و نقش ایفا کنند. اما اینجا کارکرد و نقش پاها عوض می‌شود آنها دیگر ابزارهای خشنوت و لگدکوب کردن و پامل کردن دیگران نیستند آنها باید هنرمندانه توب را حمل کنند و سهل تکینک‌های بدون خشنوت و هنری صلح آمیز باشند. در بازی فوتیال خشنوت تابو می‌شود و داور حتی می‌تواند فرد خشن را از بازی بیرون کند. در اینجا ما با والاپیش "پا" رو می‌شویم. والاپیش عنصری که در میدان‌های نبرد بر جنازه‌ی دشمنان رژه می‌رفت!

در اینجا نخست تعریف پیروزی بر حریف عوض شده است، پیروزی نه با بازی خشن و نایبود کردن حریف که با بازی جوانمردانه باید به دست آید. به این ترتیب نویسنده به نقش تمدن آموز فوتیال اعتقادی راسخ دارد. والاپیش پا، عقب راندن خشنوت تلقی می‌شود. فوتیال در این شرایط به یک نمایش هنرمندانه تبدیل می‌شود. جالب آن است که فوتیال به یاری قوانین خود، فراتر از هر موضوع غیر قانونی قرار می‌گیرد آن چنان که نویسنده استدلال مارادونا را در توجیه عمل "هند": برای رسیدن به گل در برابر انگلیسی‌ها ناشی از این می‌داند که هیچ نهاد انسانی نمی‌تواند رفتار مارادونا را تایید کند. بدین ترتیب می‌توان شکوه فوتیال را در شکوه شکل یافتن تمدن بازیافت. فوتیال مظہر پیشرفت تمدن و عقب رفتن خشنوت است.

نظریات کم نظری و گاه بی پرواپانه مولف کتاب در تحلیل ورزش چشم اندازهای جذابی را در برابر ما می‌نهد که می‌توان در مورد آنها به بحث و مجادله پرداخت. شاید مهم‌ترین مشکلی که این نظریات در کتاب با آنها مواجه‌اند بی‌توجهی یا کم ارزش‌انگاری اطلاعاتی باشد که باید از میدان به شکلی روشمند تهیه کرد. نویسنده نظریات جذابی را در تحلیل فوتیال برای ما روایت می‌کند اما این نظریات آیا هم سو با درک درونی و امیک مردم و بازیکنان و تماشاگران فوتیال است؟ اگرچه این کتاب گام‌هایی بسیار جلوتر از محققان فوتیال بریتانیا برداشته است اما به نظر می‌رسد که از نظریات عمیق انسان‌شناسی ورزش و به ویژه اطلاعات میدانی و تحلیل‌های میدانی انسان‌شناسان در زمینه فوتیال بسیار عقب‌تر است. آنچه ارزش کار انسان‌شناسان را فراتر از مطالعات روانکاوانه قرار می‌دهد روش مطالعه میدانی است. روانکاوی چنان‌چه بدون یافته‌های میدانی در صدد تفسیر واقعی فرهنگی باشد بیشتر به تولید نظریه خواهد پرداخت تا تبیین واقعیت.

این ترتیب کتاب به نکته‌ی بسیار مهمی اشاره می‌کند که می‌تواند یکی از مهم‌ترین کلیدها در درک روانکاوانه فرهنگ عامه باشد: "در مبارزه بین واقعیت و لذت "اصل" واقعیت می‌تواند اصل لذت را در خود بگنجاند نه این که صرفاً با آن مخالفت کند." بسیار روشن است که از یک سو در برابر اصل لذت، اصل قانون میل قراردارد و از سوی دیگر هیچ میلی نمی‌تواند کاملاً بر آورده شود و به ویژه که امر لذت به مثابه یک تجربه‌ی فرهنگی با محدودیت‌ها و مسئولیت‌ها محدود می‌شود.

یکی از مسایل بسیار درستی که کتاب به روشن شدن آن کمک می‌کند، کنار نهادن این تصور است که تهها سبک زندگی طبقات بالا یا متوسط و فرهیختگان جامعه در خور احترام است و شیوه‌های زندگی باقی مردم در این میان چندان زیبایی شناسانه با قابل احترام نیست. از قضا این موضوعی است که جامعه‌ی ایرانی با آن درگیر است، تحقیر سبک زندگی عامه مردم از سوی فرهیختگانی که خود را نماد فرهنگ بالاتر و برتر می‌دانند. برای مثال تحقیر تماشای برنامه‌های تلویزیونی و شنیدن برنامه‌های رادیویی... مسایلی است که ما به ناچار باید به آن پاسخ دهیم و درستی ترجیم‌های این کتاب در یافتن پرسش این سوال، خود را نشان می‌دهد. کتاب برای نمایاندن نادرستی این موضوع، خود پسند نخبه‌گرایانه را نقد می‌کند. شاید بتوان در این زمینه به نقد استبداد نظر روش‌نفرکرانه‌ای پرداخت که مردم را فاقد توانایی لازم در یافتن درستی‌ها می‌داند. کتاب با نشان دادن مفهومی که به مفهوم میدان بوردبیو نزدیک است پرده از تنش‌های هژمونیک در برابر تنش‌های غیر هژمونیک و... بر می‌دارد و نشان می‌دهد که تا چه حد مفهوم فرهنگ عامه با پویش‌های اجتماعی ارتباط تنگ‌تر دارد.

نگره‌ها و نگاه‌هایی که کژکارکردهای مدرن شدن را در طی دو قرن اخیر در آثار کسانی چون کافکا و اوکتاویو پاز نشان داده است، اهمیت فرهنگ عامه را آشکار می‌سازد. از این روسوت که باید با نویسنده همراه بود که فرهنگ عامه شکلی قدرتمند از مشارکت انسان‌ها در دوره‌ی مدرن است. در اینجاست که شاید باید از دیالکتیک تهایی پاز وام گرفت و فرهنگ عامه را راهی در برخورد با تهایی به شمار آورد. در همین حاست که باید تحقیر فرهنگ عامه از سوی روش‌نفرکران را عملی قوم‌مدارنه پنداشت و با آن به چالش برخاست. در اینجا به بخش دوم کتاب که به جایگاه ورزش در فرهنگ عامه اختصاص دارد می‌پردازیم.

### شکوه این بازی

نویسنده در فصلی پیش از فصل مورد بررسی، شبهات‌های روانکاوی و مطالعات فرهنگی را نشان داده است. به زعم مولف "هر دوی این تحلیل‌ها معانی ناخودآگاهی زندگانی روزمره را مورد کاوش قرار می‌دهند"

در بخش دوم کتاب مطالعه‌ی فرهنگی و رویکرد روانکاوانه شکلی واحد می‌باشد. کتاب در این بخش در صدد پاسخ به دلایل اهمیت، کارکرد و ساختار فوتیال است. نخست سوال می‌شود که چرا فوتیال در میان مطالعه‌ی طرفداران و ورزشکاران و اهمیت بیشتری است و سپس ساختار هواداری مورد بحث واقع می‌شود. نویسنده، ساختارهای همانند سازی، جداسازی و خودشیفتگی را مورد اشاره قرار می‌دهد. در این باره وی به شرح مکانیسم موجود در فرافکنی خود در شخص یا تیم محبوب و مورد ستایش پرداخته و به تعریف مفهوم آرمانی‌سازی دست می‌یابد.